

نگرش روانشناختی به نقش جنسیت در قابلیت‌های ادراک فضای معماری

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۱/۰۲

رفیعه الحج* - میرسعید موسوی**

چکیده

زنان و مردان ویژگی‌های شخصیتی متفاوتی دارند که بررسی این تفاوت‌ها به جهت آماری و تفسیری معنادار است. در جامعه نیز، تفاوت‌های نسبتاً بارزی از نظر روانشناختی در ادراک فضای معماری وجود دارد که توجه به این امور برای دستیابی به شناخت علمی از نحوه ادراک زنان و مردان از فضاهای معماری و چگونگی نگرش آن‌ها بر عوامل تأثیرگذار در کیفیت بصری فضا حائز اهمیت است. مسأله اصلی در این تحقیق نادیده انگاردن جنبه روانشناختی جنسیت در فرآیند طراحی فضای معماری است که این امر مشکلات روحی و جسمی را به مرور زمان بر روی کاربر فضا به جا می‌گذارد. بنابراین، در این نوشتار، بررسی نحوه ادراک زنان و مردان از محیط مصنوع و فضای معماری با توجه به عامل جنسیت و با تأکید بر عناصر بصری بوجود آورنده فضا در معماری می‌باشد. در این پژوهش، مبانی نظری موجود در رابطه با ویژگی‌های روانشناختی جنسیت و ادراک فضا به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده و سپس براساس مبانی نظری موجود، نحوه ادراک محیط براساس چهار مؤلفه الف) تجسم ذهنی و ادراک سه بعدی فضا، ب) ادراک عناصر بصری فضا، ج) تجسم و ادراک شنیداری و د) ادراک فضای اجتماعی، به صورت یک پرسشنامه تنظیم و بین تعدادی از زنان و مردان شهر تبریز که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند، مورد سنجش قرار گرفت. نتایج حاصل در نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند که حاکی از وجود رابطه‌ای معنادار بین جنسیت و میزان ادراک عناصر بصری فضا هستند.

واژگان کلیدی: ادراک، جنسیت، معماری، فضا.

مقدمه

انسان موجودی پیچیده است که دارای انگیزش‌های مادی، روحی و معنوی گوناگون و متفاوت می‌باشد. بر این اساس معماران و طراحان امروزه توجه ویژه‌ای به شناخت روانشناسانه رفتارهای انسان و ادراک وی از فضای معماری دارند. زنان و مردان، افرادی خاص‌اند و با ترکیب منحصر به فردی ساخته شده‌اند که آنان را متمایز ساخته و شیوه نگرش آن‌ها را به دنیا شکل داده است (Harding, 1986, p. 18; Safiri & Imanian, 2009, p. 17).

به دلیل وجود تفاوت، هم در امور جنسی و هم در جنسیت، زنان و مردان نیازهای متفاوتی دارند. از طریق مفاهیم مرتبط با حقوق انسانی، توسعه و پیشرفت، که در آن‌ها تفاوت‌های مبتنی بر جنسیت تصدیق می‌شوند، باید به نحوی به این نیازهای مختلف پرداخت که مشارکت کامل زنان و مردان در زندگی اجتماعی و سیاسی تأمین شود. در همه جا جنسیت با تغییرات در طبقه، نژاد، قومیت، مذهب و سن ترکیب شده است و تنوعات فراوانی را ایجاد می‌کند (Safiri & Imanian, 2009, pp. 2-3). در طراحی معماری و فضاهای وابسته لازم است با شناختی صحیح از مسائل ادراکی در زنان و مردان، ادراک و تجسم محیط، تفکر صحیح طراحی را در فرآیند معماری تبیین نمود. این مقاله، بررسی عوامل روانشناختی باتوجه به عامل جنسیت را در رابطه با قابلیت‌ها و تفاوت‌های ادراک فضای معماری در زنان و مردان مورد مطالعه قرار داده است.

۱. روش تحقیق

با توجه به موضوع پژوهش، جامعه آماری مورد نظر شامل ۴۰۰ نفر از زنان و مردان شهر تبریز در زمستان سال ۱۳۹۲ بود. نمونه‌گیری برای انتخاب آزمودنی‌ها در مناطق مختلف شهر و از تمامی اقشار، سنین مختلف و با مقاطع تحصیلی متفاوت، به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. تعداد آزمودنی‌ها به روش رگرسیون محاسبه شد و مطالعات در خصوص پژوهش به روش پابلوت انجام شد تا امکان این‌که فرآیند اجرای طرح در ابعاد کوچکتر با دقت رصد گشته و پس از آشنایی با موانع و نارسایی‌های تحقیق و اصلاح و تکمیل آن، با آمادگی بیشتر تحقیق اصلی در ابعاد وسیع به اجرا گذاشته شود. در این راستا، برای بررسی نقش جنسیت در ادراک فضای معماری پرسشنامه‌ای تهیه شد که شامل ۲۰ سؤال با ابعاد چهارگانه؛ الف) تجسم ذهنی، ادراک سه بعدی (فضا ب) ادراک عناصر بصری (فضا ج) تجسم و ادراک شنیداری (د) ادراک فضای اجتماعی، که به‌طور مرتب و پشت سر هم تهیه شده است. پرسشنامه از لحاظ روایی صوری توسط گروهی از متخصصان و استادان رشته‌های معماری و روانشناسی مورد تأیید و از لحاظ ضریب همسانی درونی سوالات با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ اعتبار کل پرسشنامه با ۰/۹۶۷ اطمینان مورد تأیید قرار گرفته است. پرسشنامه بین شهروندان در شهر تبریز که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند، توزیع شد. سپس با استفاده از تحلیل آماری توسط نرم افزار SPSS نتایج معناداری به‌دست آمد. از نظر تحلیل داده‌ها، پژوهش حاضر، از نوع علی پس از وقوع است.

۲. فرضیه‌های تحقیق

- ادراک انسان از فضای معماری با جنسیت رابطه مستقیم دارد.
- میزان ادراک انسان از فضا با سن، جنس و میزان تحصیلات مرتبط است.
- جنسیت عامل بوجودآورنده تفاوت‌ها در طراحی فضای معماری است.

۳. پیشینه توجه به تمایزات جنسیتی

ویلهم وونت که از پایه‌گذاران روانشناسی جدید است بدون توجه به تفاوت‌های فردی به مطالعه ساختار ذهن و شناخت پرداخت. وی معتقد بود فعالیت‌های ذهنی تحت تأثیر تفاوت‌های فردی از جمله جنسیت نیست (Khosravi, 2003, p. 17). براساس تحقیقات به‌عمل آمده، اولین آزمایش‌های علمی ثبت شده درباره تفاوت بین زن و مرد، توسط فرانسویس گالتون در سال ۱۸۸۲ انجام شده و در موزه لندن نگهداری می‌شود (Pease, 2001, p. 65). فروید معتقد بود که غرایض، انرژی اصلی را برای رشد شخصیت فراهم می‌آورد. به اعتقاد وی ادراک کودک از تفاوت‌های آناتومیک بین پسرها و دخترها رویدادی محوری در شکل‌گیری شخصیت آن‌ها است. فروید در تفسیر تفاوت‌های جنسیتی به جای تأکید بر تبیین‌های ژنتیکی و هورمونی، بر تجارب اولیه کودک در خانواده تأکید داشت (Khosravi, 2003, pp. 19-20). الکسیس کارل، فیزیولوژیست و پزشک مشهور می‌گوید؛ اختلاف زن و مرد تنها به شکل ظاهری آن‌ها نیست، بلکه عمیق‌تر است و از تأثیر مواد مترشحه غدد تناسلی در خون ناشی می‌شود، به‌طوری که تک تک سلول‌های بدن، به‌ویژه سلول‌های سیستم عصبی زن و مرد، نشانه جنسی بر روی خود دارند (Moazeni & Moazeni, 2012, pp. 26-28).

یک دانشمند آمریکایی به نام چسler برای از بین بردن تعصب بیجای جنسیتی در برابر زنان و مردان، ادراک سه بعدی این دو جنسیت را آزمایش کرد. این پژوهشگر دریافت که علی‌رغم حجم کوچک‌تر مغز زن نسبت به مرد، هوش عمومی او ۳ درصد بیشتر از مرد بود. وقتی مرحله حل جدول مارپیچ آزمون فرا رسید، مردان بدون توجه به خاستگاه فرهنگی‌شان،

به صورت چشمگیری و با برتری ۹۲ درصد به ۸ درصد زنان را پشت سر گذاشتند که در حقیقت چنین نتیجه‌ای ادراک سه بعدی مردان را به اثبات می‌رساند (Pease, 2001, p. 138). برخی از نظریه‌های مرتبط با ادراک جنسیتی در جدول زیر طبقه‌بندی شده است:

جدول ۱: دیدگاه‌ها و نظریه‌های مربوط به ادراک جنسیتی

نظریه پرداز	تخصص	تاریخ	نظریه / دیدگاه
فرانسیس گالتون	مخترع و پیشگام در علم ژنتیک	۱۸۸۲	تصاویر ذهنی در زنان و کودکان عینی‌تر و با جزئیات بیشتری هستند.
ویلهم وونت	روان‌شناس	۱۹۲۰	تصویرسازی ذهنی، همانند بسیاری خصوصیات دیگر، به صورت بهنجار در جمعیت پراکنده است، جنبه ارثی دارد.
زیگموند فروید	روانشناس	۱۹۳۹	فعالیت‌های ذهنی تحت تأثیر تفاوت‌های فردی از جمله جنسیت نیست.
کارول گیلیگان	روانشناس	۱۹۸۲	ادراک تفاوت آناتومیک بین دختر و پسر اساس تفاوت‌های جنسیتی است.
مک کابی	روانشناس	۱۹۷۴	بررسی الگوهای رفتاری، شخصیتی و اخلاقی زنان و مردان، زنان و مردان راه‌های تحولی متفاوتی می‌پیمایند، رفتارها و اخلاق‌های متمایزی دارند.
جک لینز	روانشناس	۱۹۷۴	اثبات وجود تفاوت بین دو جنس در توانایی‌های کلامی و عملی، هوش کلی زنان و مردان هیچ‌گونه تفاوت پایداری را در سنین مختلف نشان نمی‌دهد.
جس هاید	روانشناس	۱۹۹۳	دختران توانایی‌های کلامی را با سرعت بیشتر و کیفیت بهتری در مقایسه با پسران کسب می‌کنند.
ادوارد تی هال	انسان‌شناس	۱۹۸۴	زنان در قضاوت درباره هیجان‌ها و نحوه استنباط آن‌ها، از مردان بسیار توانمندتر هستند.
سوزان کویلیام	پزشک	۱۹۹۹	ادراک تفاوت‌های جنسیتی به جای تنفر باعث بهادادن زن و مرد به یکدیگر می‌شود.
الیزابت بادانتر	پزشک	۱۹۹۸	وجود جنسیت مردانه و زنانه را واقعی نمی‌داند و آن را معلول یک رشته عوامل روانی، اجتماعی و فرهنگی معرفی می‌کند.
کنوانسیون منع اشکال تبعیض علیه زنان		۱۹۷۹	برقراری تساوی محض بین زن و مرد از لحاظ جنسیتی؛ به عبارتی تفاوت‌های جنسی زن و مرد را می‌پذیرد؛ ولی هیچ‌گونه تفاوت جنسیتی برای آنان قائل نیست.
فمینیست‌ها		۱۹۹۷	متغییر دانستن جنسیت، نابرابری زن و مرد = نابرابری پایگاه اجتماعی.

امروزه، جنسیت نظامی چند سطحی از رویه‌های اجتماعی است که تمایزات بین زنان و مردان را ایجاد کرده و نابرابری را براساس آن تمایزات، سازماندهی می‌کند. اگر چه پژوهشگران درباره فرآیندهای دقیقی که این امر از طریق آن‌ها رخ می‌دهد، و نیز با دوام و بقای تمایزاتی که ایجاد می‌شود، مخالفند، اما تأیید می‌کنند که افراد، موجوداتی جنسیتی شده هستند.

در روانشناسی بحث تفاوت‌های جنسی در دو بخش تعریف می‌شود؛ بخش اول شامل تمایزات جنسی با ریشه زیست‌شناختی است که در تمایزات بیولوژیک ریشه دارد و بخش دوم تمایزات جنسیتی نام دارد و در واقع به تفاوت‌هایی اشاره می‌کند که ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی دارد و به عبارتی متأثر از عوامل فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته، ولی اساساً دلیلی بر وجودش نبوده است (Mazaheri, 2004, p. 5).

۴. نقش جنسیت در ادراک و کارایی فضای معماری

مطالعات مربوط به جنسیت در دهه‌های اخیر وارد مقوله فضا، به طور عام، و فضاهای معماری و شهری، به طور خاص، شده و مبحث دیگری از دانش اجتماعی فضا را گشوده است. به طور کلی، شناسایی تفاوت‌های میان زن و مرد می‌تواند نقش تأثیرگذاری بر رفتار هر یک از طرفین ایفا کند. این تفاوت‌ها را می‌توان در زمینه مسایل مختلف مورد بررسی قرار داد. آشنایی با تفاوت‌ها برای سازگاری، نشاط، سلامت و آرامش زندگی شخصی و اجتماعی امری ضروری است. همچنین می‌توان ابعاد دیگر آشنایی را در محیط اجتماعی و طراحی فضاها مشاهده و یک نوع موازنه در این زمینه را با در نظر گرفتن روان هر دو جنس مد نظر قرار داد (Hosseinzadeh, 2012, p. 71).

در ارتباط متقابل میان فضا و ساختار جنسیت، درحالی که ساختار جنسیت در فضا مادیت می‌یابد، فضا نیز در نحوه تحقق ارتباطات جنسیتی و بازتولید آن نقش مؤثر دارد. تفکیک آگاهانه و اختیاری فضاها بر مبنای جنسیت در شهر باعث افزایش دسترسی زنان به فضاهای عمومی می‌شود. جین رندل در مقدمه‌ای بر جنسیت و فضا به برخی از عوامل در شکل‌گیری فضاهای جنسیتی اشاره داشته است که عبارتند از ۱- به واسطه طراحی و معماری فضا مطابق با نوع جنسیت طراح؛ ۲- بر مبنای دیدگاه انتقادی، تاریخی، و ایدئولوژی طراح؛ ۳- به دلیل استفاده صرف و تغییرات روزانه فعالیت‌های آن (Kiavar, 2011, p. 28). شرلی آدنر نیز در مطالعات خود به بررسی فضاهای اختصاصی مردان و زنان از نظر فرهنگی، نقش خاص فضا، نمادسازی، حفظ، و تقویت روابط جنسیتی پرداخته است. موضوعی که مطرح می‌شود، نحوه تولید فضایی است که به وسیله روابط جنسیتی قدرت حاکم به صورت اجتماعی، فرهنگی و فضایی شکل می‌گیرد (Rendell, 2000, p. 14). دانیل کاپن معتقد است که افراد برون‌گرا تماس با محیط را دوست دارند افراد درون‌گرا خانه‌های حیاط‌دار را ترجیح می‌دهند. افراد انسان‌گریز ساختمان‌های با روابط درونی پیچیده و قلمرو بیرونی روشن را ترجیح می‌دهند. افراد اهل معاشرت به خانه‌ای با نقشه مرکزی قوی علاقمند هستند (Lang, 1987, p. 176).

۵. مؤلفه‌های چهارگانه موضوع تحقیق در خصوص تأثیر جنسیت بر ادراک

در مورد ادراک جنسیت سه چارچوب وجود دارد که شامل رهیافت‌های فردگرایانه، کنش متقابل و نهادی می‌باشند؛ در حالی که هر چارچوب در برگیرنده گستره‌ای از نقطه نظرات است. تفاوت بین چارچوب‌ها از تفاوت بین دیدگاه‌ها در هر چارچوب چشمگیرترند (Safiri & Imanian, 2009, p. 21). چهار مؤلفه مرتبط با ادراک؛ الف) تجسم ذهنی؛ ادراک سه بعدی فضا؛ ب) ادراک عناصر بصری فضا؛ ج) تجسم و ادراک شنیداری؛ د) ادراک فضای اجتماعی که موضوع پژوهش این مقاله است در زیر توصیف شده است:

۵-۱- تجسم ذهنی، ادراک سه بعدی فضا

دانشمندان در تحلیل تفاوت‌های جنسیتی، به نقش تجربه‌های فضایی اشاره می‌کنند و معتقدند که پسران در مقایسه با دختران در محیط‌های پیچیده‌تر فضایی رشد می‌کنند و در محیط‌های باز، بازی می‌کنند. به پسران آزادی‌های بیشتری برای کشف فضاهای بزرگ داده می‌شود و پسرها با اسباب بازی‌های پیچیده‌تر فضایی بازی می‌کنند. همچنین محققان در یک فراتحلیل نشان دادند که مشارکت در فعالیت‌های فضایی با بهبود عملکرد افراد در آزمون‌های توانایی فضایی ارتباطی تنگاتنگ دارد، یعنی می‌توان گفت که عملکرد افراد در این زمینه از راه آموزش ارتقا می‌یابد (Khosravi, 2003, p. 58). آزمون‌ها نشان داده‌اند که مردان می‌توانند نقشه دو بعدی را در مغزشان تبدیل به نقشه سه بعدی کنند ولی به نظر می‌رسد بیشتر زنان نمی‌توانند چنین کاری انجام دهند (Pease, 2001, p. 140). زنان از مردان تحرک کمتری دارند، در نتیجه زنان متأهل نسبت به شوهرانشان نقشه‌های شناختی با وسعت کمتر ولی با جزئیات بیشتر و غنی‌تری دارند؛ نقشه‌های شناختی زنان به جای این که نقشه‌های استاندارد باشند، بیشتر متکی به شناخت درونی‌اند (Lang, 1987, p. 161).

۵-۲- ادراک عناصر بصری فضا

مردان و زنان یک دنیای واحد را از زاویه دید متفاوتی نگاه می‌کنند. این امر به خاطر این است که زنان ادراک جزئی دارند و مردها ادراک کلی. خانم‌ها تمام جزئیات را می‌بینند و آقایان فقط کلیات را می‌بینند. از این لحاظ سرعت ادراک در زن‌ها بیشتر است یعنی فرد با سرعت و دقت متوجه جزئیات امری شود و سپس توجه خویش را معطوف به مرحله دیگری از درک کند. می‌توان گفت زن‌ها در تشخیص رنگ‌ها و ادراک اندازه‌ها برتری قابل ملاحظه‌ای نسبت به مردها دارند. امروزه جای تردید باقی نمانده است که کوررنگی جنبه ارثی دارد و از صفات وابسته به جنس است، زیرا تعداد مردان کوررنگ شانزده برابر تعداد زنان کوررنگ است. حتی اگر افراد کوررنگ را کنار بگذاریم باز هم برتری زن‌ها بر مردها از نظر ادراک رنگ به راحتی تأیید می‌شود. برای مثال زن‌ها بین رنگ صورتی تا بنفش طیف گسترده‌ای از رنگ‌ها از قبیل صورتی، سرخابی، یاسی، بادمجانی، پوست پیازی و نهایتاً بنفش را شناسایی می‌کنند و اختلاف بسیار ظریف رنگ‌ها را بهتر درک می‌کنند، در صورتی که این تنوع رنگ با جزئیات در مردها نیست (Raiesi, 2001, p. 172).

۵-۳- تجسم و ادراک شنیداری

شنوایی در زنان بهتر از مردان است و زنان در تشخیص صدا فوق‌العاده هستند. اگر بچه‌ای در فاصله دور گریه کند، زن صدای او را می‌شنود و مرد با ادراک فضایی و جهت‌یابی خود می‌تواند محل او را تشخیص دهد (Ibid, 41). (همان، ۴۱). تحقیقات نشان داده، زنان از هر صد محرک صوتی تقریباً تمامی آنها را می‌شنوند. مردان به علت داشتن سرهای بزرگتر، می‌توانند تون‌های بم را بهتر بشنوند. به آن دلیل، مردان غالباً آن دستگاه‌های بلندگو را دوست دارند که تون‌های بم واضح و روشن تولید می‌کنند. زنان که غالباً صداهای بسیار بم را ضعیف می‌شنوند (اگر نگوییم هرگز

نمی‌شنوند)، معمولاً آن دستگاه‌های های- فی را ترجیح می‌دهند که تون‌های زیر تحریف نشده می‌دهند. یعنی گوش زن حساس است و موسیقی مناسب می‌طلبد (Pease, 2001, p. 292).

۴-۵- ادراک فضای اجتماعی

شیوه زیست می‌تواند از طریق نقش‌های مردم و قرارگاه‌های رفتاری آنها درک شود (Lang, 1987, p. 135). راتانن (۱۹۹۰) با تحلیل صحبت‌های زنان و مردان، تفاوت‌های آنها را مشخص کرد. وی می‌گفت شکایت را در نهادهای اجتماعی تفاوت‌های بسیاری وجود دارند. حتی نهادهایی که وظایف کاری مشابهی دارند ممکن است در شخصیت و در پایگاه اجتماعی و فرهنگ متفاوت باشند. حتی در چارچوب‌های فرهنگی مشترک نیز این سلسله‌مراتب‌ها تفاوت‌های قابل توجهی دارند (Lang, 1987, p. 203). به نظر می‌رسد پژوهش‌های دیگر اشاره دارد به این که مردان فضای شخصی بزرگتری نسبت به زنان برای خود ایجاد می‌کنند و این که مردم معمولاً فاصله بیشتری را با مردان می‌گیرند تا با زنان. به علاوه زنان در فاصله نزدیک‌تری با افراد مشابه، به برقراری ارتباط دو سویه می‌پردازند و جفت‌های زن- زن فاصله نزدیک‌تری نسبت به جفت‌های مرد-مرد برقرار می‌کنند (Madanipour, 2003, p. 28). نحوه تأثیر جنسیت بر چهار مؤلفه اصلی ادراک در نمودار زیر خلاصه شده است:

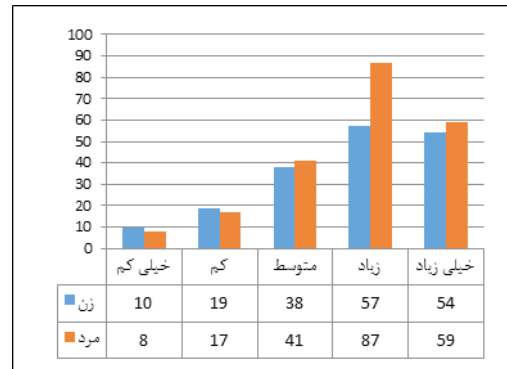
جدول ۲: تأثیر جنسیت بر چهار مؤلفه اصلی ادراک

تأثیر جنسیت بر ادراک	تجسم ذهنی؛ ادراک سه بعدی فضا	زن	ادراک دو بعدی، زیبایی‌شناسی، توانایی‌های کلامی، مهارت‌های دیدی، عکس‌العمل سریع
	ادراک عناصر بصری فضا	مرد	ادراک سه بعدی (فضایی)، استعداد مکانیکی، استدلال‌های ریاضی و منطقی
	ادراک فضای اجتماعی	زن	ادراک جزئی، سرعت ادراک بصری بالا، آمار کورنگی پایین، دامنه دید وسیع، ادراک رنگ بالا، حساس به نور
		مرد	ادراک کلی، چهره‌شناسی و بازشناسی چهره‌ها، هماهنگی کامل چشم و دست و توانا در اجرای ساختمان، آمار کورنگی بالا، ادراک رنگ ضعیف
	تجسم و ادراک شنیداری	زن	ادراک شنوایی بالا، تون‌های زیر تحریف نشده، شنیدن صدا بدون توانایی در جهت‌یابی دقیق
		مرد	ادراک شنوایی پایین، تون‌های بم واضح و روشن، جهت‌یابی دقیق با استفاده از ادراک شنوایی
	ادراک فضای اجتماعی	زن	روابط اجتماعی حساس و ظریف و دلسوزانه، صحبت تفاهمی، متمرکز بر چند کار در آن واحد، کلمات آزمایشی و تأییدجویی
		مرد	روابط اجتماعی فردگرا و خودمدار، صحبت گزارشی، متمرکز بر یک کار در آن واحد، کلمات قاطع، آمرانه و قدرت‌نمایانه

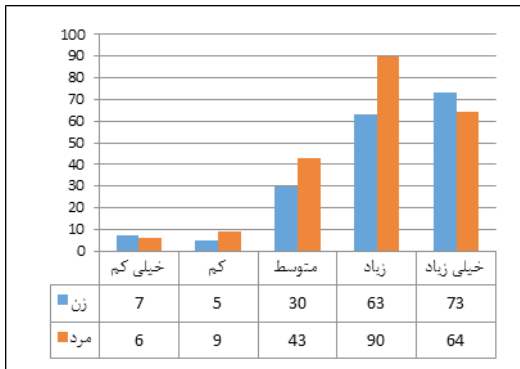
۶. یافته‌های تحقیق و آزمون فرضیات

در این تحقیق، اولین مؤلفه مربوط به ادراک عناصر بصری فضا می‌باشد که سؤال اول از این مؤلفه، در خصوص میزان توجه زنان و مردان به عناصر بصری در بدو ورود به فضای معماری بود که شامل زیر گزینه‌های ۱- رنگ و ترکیب رنگ‌ها؛ ۲- اشکال هندسی، ترکیب فرم‌ها و شکل‌ها؛ ۳- چیدمان و میلمان فضا؛ ۴- ابعاد و وسعت فضا؛ ۵- نور و روشنایی بود. نتایج حاصله در خصوص گزینه ۱ نشان داد که ۷۳ درصد زنان و ۶۴ درصد مردان مورد پژوهش در سطح خیلی زیاد، ۶۳ درصد زنان و ۹۰ درصد مردان در سطح زیاد، ۳۰ درصد زنان و ۴۳ درصد مردان در سطح متوسط هنگام ورود به یک فضا یا محیط، ویژگی‌های بصری رنگ و ترکیب رنگ‌ها، توجه آنها را جلب می‌کند (شکل ۱). این موضوع نشانگر این است که عناصر بصری تأثیرگذار در ساختار کالبدی فضا اهمیت بسیار بالایی هم برای زنان و هم برای مردان دارد. با توجه به این که درصد توجه زنان در سطح خیلی زیاد نسبت به موضوع بیشتر از مردان می‌باشد و این امر ناشی از جزئی‌نگری در زنان می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که میزان توجه زنان به نقش رنگ در شکل‌دهی به فضای معماری بیشتر از مردان است. از دیگر عناصر بصری؛ اشکال هندسی، ترکیب فرم‌ها و شکل‌ها می‌باشند (گزینه ۱). نتایج حاصل از افراد مورد پژوهش نشان دادند که در بدو ورود به محیط و فضای معماری، ۵۴ درصد زنان و ۵۹ درصد مردان در سطح خیلی زیاد، ۵۷ درصد زنان و ۸۷ درصد مردان در سطح زیاد، ۳۸ درصد زنان و ۴۱ درصد مردان در سطح متوسط اشکال هندسی، ترکیب فرم‌ها و شکل‌ها را ادراک می‌کنند، نتایج فوق نشانگر ادراک بیشتر مردان از این موضوع می‌باشد و این ناشی از ادراک کلی مردان و درک سه بعدی بالای مردان نسبت به زنان است (شکل ۲).

شکل ۱: میزان توجه به رنگ و ترکیب رنگ‌ها



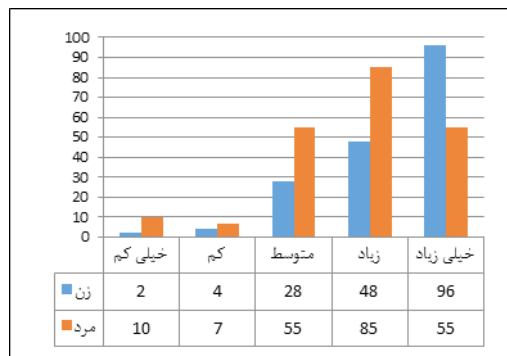
شکل ۲: میزان ادراک اشکال هندسی، ترکیب فرم‌ها



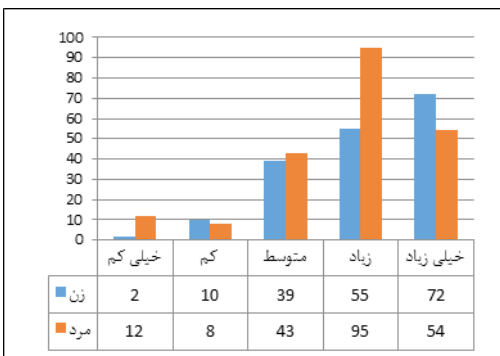
مورد بعدی مربوط به چیدمان و مبلمان فضای معماری بود که نتایج نشان داد ۹۶ درصد زنان و ۵۵ درصد مردان در سطح خیلی زیاد، ۴۸ درصد زنان و ۸۵ درصد مردان در سطح زیاد، ۲۸ درصد زنان و ۵۵ درصد مردان در سطح متوسط این نکات را مورد توجه قرار دادند (شکل ۳). با بررسی نتایج در می‌یابیم که زنان در سطح خیلی زیاد و اختلاف قابل توجه به چیدمان و مبلمان فضای معماری توجه دارند و این امر ناشی از توجه به جزئیات در زنان است و زنان بیشتر از مردان به تزئینات و دکوراسیون فضای معماری توجه دارند.

مورد چهارم در رابطه با چگونگی ادراک زنان و مردان از ابعاد و وسعت فضای معماری، نشان داد که ۷۲ درصد زنان و ۵۴ درصد مردان در سطح خیلی زیاد، ۵۵ درصد زنان و ۹۵ درصد مردان در سطح زیاد، ۳۹ درصد زنان و ۴۳ درصد مردان در سطح متوسط به این موارد توجه دارند. بررسی نتایج فوق حاکی از ادراک بالای مردان نسبت به زنان در سطح خیلی زیاد از این موضوع است. چون مردان به دلیل بیولوژیکی ادراک فضایی و کلی بالاتری را دارا هستند (شکل ۴).

شکل ۳: میزان ادراک چیدمان و مبلمان معماری

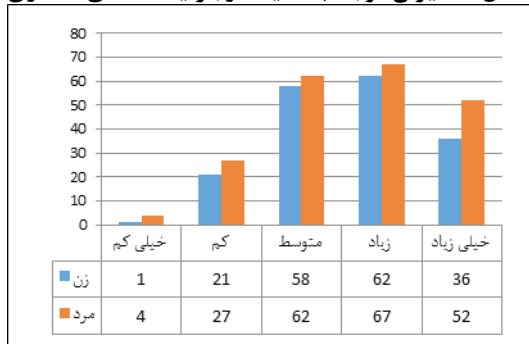


شکل ۴: میزان ادراک ابعاد و وسعت فضای معماری

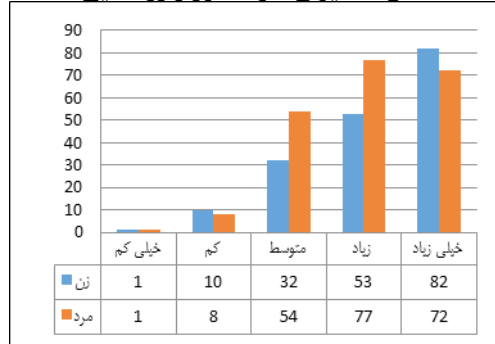


نور و روشنایی یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم عناصر بصری فضای معماری است که مورد پرسش آزمودنی‌ها قرار گرفت؛ نتایج بررسی‌ها نشان داد که ۸۲ درصد زنان و ۷۲ درصد مردان در سطح خیلی زیاد، ۵۳ درصد زنان و ۷۷ درصد مردان در سطح زیاد، ۳۲ درصد در سطح زنان و ۵۴ درصد مردان در سطح متوسط، به میزان نور و روشنایی توجه می‌کنند (شکل ۵). از آنجایی که زنان به علت وجود هورمون استروژن نسبت به نور مناسب حساس هستند، بنابراین بیشتر از مردان به نور و روشنایی توجه نشان می‌دهند و می‌توانند طیف وسیعی از ترکیب رنگی و نوری را احساس کرده و بشمارند. سؤال بعدی در خصوص ادراک زنان و مردان از کلیات و جزئیات محیط و فضای معماری بود، هدف این بود که وقتی اشخاص وارد محیط و یا فضای معماری می‌شوند تا چه حد به این مسائل توجه می‌کنند، و به‌خاطر می‌سپارند که نتایج حاصله نشان داد ۳۶ درصد زنان و ۵۲ درصد مردان در سطح خیلی زیاد، ۶۲ درصد زنان و ۶۷ درصد مردان در سطح زیاد، ۵۸ درصد زنان و ۶۲ درصد مردان در سطح متوسط به کلیات و جزئیات فضای معماری توجه می‌کنند و آن‌ها را به خاطر می‌سپارند (شکل ۶). این نتایج نشان می‌دهد که مردان به علت این‌که کلیات و جزئیات را به‌طور کلی در کنار هم ادراک می‌کنند در تمامی سطوح سنجش به زنان برتری دارند در واقع زنان جزئیات را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند و آن‌ها را به خاطر می‌سپارند.

شکل ۶: میزان توجه به کلیات و جزئیات فضای معماری



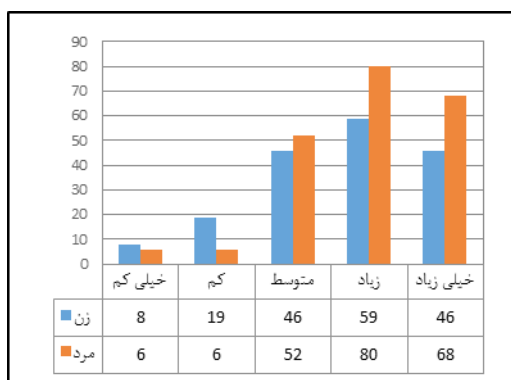
شکل ۵: میزان ادراک نور و روشنایی



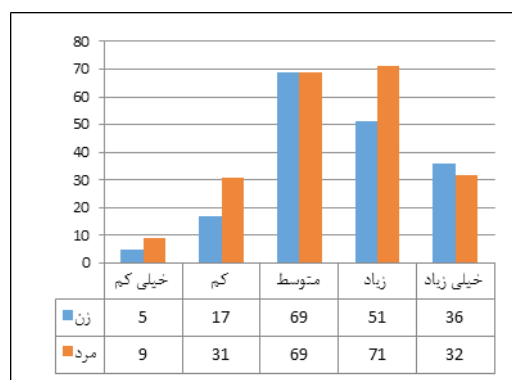
پرسش دیگر پژوهش، بررسی میزان ادراک زنان و مردان از ایرادهای طراحی و دکوراسیون فضای معماری بود که آزمودنی‌ها به آن پاسخ دادند، نتایج نشان داد ۳۶ درصد زنان و ۳۲ درصد مردان در سطح خیلی زیاد، ۵۱ درصد زنان و ۷۱ درصد مردان در سطح زیاد، ۶۹ درصد زنان و مردان در سطح متوسط، توانایی درک این مسائل را دارند (شکل ۷). بررسی این نتایج حاکی از آن است که زنان و مردان تقریباً هر دو به یک میزان می‌توانند ایرادهای طراحی و دکوراسیون را تشخیص دهند، دلیل این امر نیز جزئی‌نگری و سرعت ادراک بالا در زنان و کلی‌نگری و ادراک سه بعدی بالا در مردان از فضای معماری می‌باشد که هر یک به نوعی به مسأله نگاه کرده و آن را در می‌یابند.

مؤلفه دوم پژوهش در خصوص تجسم ذهنی و ادراک سه بعدی فضا، شامل چند پرسش بود که یکی از سؤالات به بررسی توانایی زنان و مردان برای خواندن یک مسیر یا پیدا کردن یک مکان از روی نقشه اختصاص داشت. نتایج نشان داد که؛ ۴۶ درصد زنان و ۶۸ درصد مردان در سطح خیلی زیاد، ۵۹ درصد زنان و ۸۰ درصد مردان در سطح زیاد، ۴۶ درصد زنان و ۵۲ درصد مردان در سطح متوسط، این توانایی را دارا بودند (شکل ۸). بررسی نتایج نشانگر برتری مردان در تمامی سطوح سنجش نسبت به زنان می‌باشد و دلیل این امر، قابلیت بالای مردان در ادراک سه بعدی فضا به دلیل وجود هورمون تستوسترون در آن‌ها می‌باشد. اما زنان برعکس در این مورد دچار مشکل می‌شوند و ممکن است برای پیدا کردن مسیر، نقشه را برعکس یا مدام چرخش دهند زیرا هورمون استروژن موجود در زنان باعث کاهش این قابلیت در آنان شده است و علت بیولوژیکی دارد.

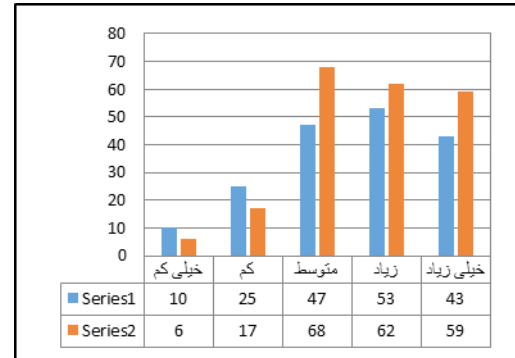
شکل ۸: توانایی در خواندن و پیدا کردن یک مکان از روی نقشه



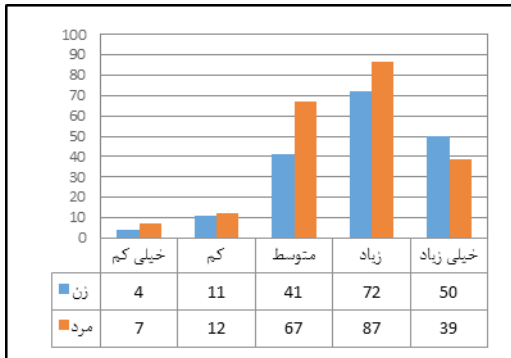
شکل ۷: میزان توجه به ایرادهای طراحی و دکوراسیون



شکل ۹: میزان تجسم سه بعدی فضا از روی نقشه دو بعدی



شکل ۱۰: میزان درک و تجسم فضای معماری از طریق توصیف خاطرات (ادراک شنیداری)

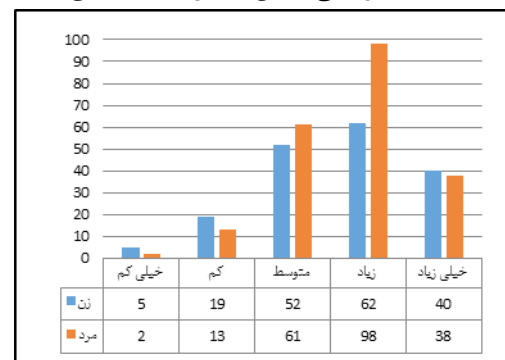


در سؤال مربوط به بررسی میزان تجسم سه بعدی فضای معماری از روی نقشه دو بعدی در زنان و مردان، نتایج نشان داد که ۴۳ درصد زنان و ۵۹ درصد مردان در سطح خیلی زیاد، ۵۳ درصد زنان و ۶۲ درصد مردان در سطح زیاد، ۴۷ درصد زنان و ۶۸ درصد مردان در سطح متوسط، قادر به تجسم سه بعدی فضای معماری از روی نقشه دو بعدی بودند. بررسی نتایج فوق نشان داد که به دلایل بیولوژیکی و همچنین چون مرکز اصلی فعالیت در مغز مردان در نیمکره راست می باشد و این ناحیه از مغز، مرکز بیشتر توانایی های درک اشکال فضایی در انسان است، میزان این ادراک در مردان قوی تر از زنان است (شکل ۹).

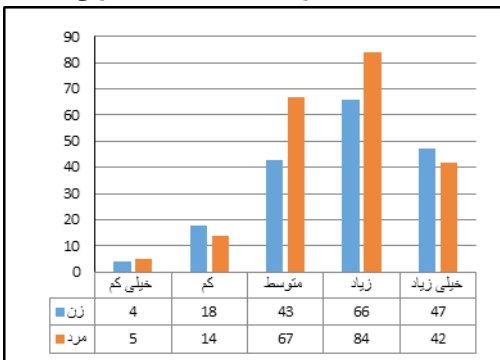
مؤلفه سوم این پژوهش مربوط به تجسم و ادراک شنیداری است که در سؤال مبتنی بر میزان تجسم زنان و مردان از فضای معماری که از طریق بیان یا توصیف خاطرات می باشد، نتایج نشان داد که ۵۰ درصد زنان و ۳۹ درصد مردان در سطح خیلی زیاد، ۷۲ درصد زنان و ۸۷ درصد مردان در سطح زیاد، ۴۱ درصد زنان و ۶۷ درصد مردان در سطح متوسط، قادر به تجسم فضای معماری از طریق توصیف و شنیدن بودند. که با توجه به پیشینه تحقیقات که بر پایه بیولوژیک استوار است و زنان را در ادراک شنیداری برتر از مرد گزارش داده است، زنان بیشتر از مردان قادر به درک فضا از طریق شنیدن ویژگی های بصری را دارا هستند ولی از جهت آن که فضا را تجسم کنند مشکل وجود دارد (شکل ۱۰).

سؤال بعدی، مربوط به توانایی زنان و مردان در یافتن مسیر یا یک مکان از طریق توضیحات ارائه شده بود، نتایج نشان داد که ۴۰ درصد زنان و ۳۸ درصد مردان در سطح خیلی زیاد، ۶۲ درصد زنان و ۹۸ درصد مردان در سطح زیاد، ۵۲ درصد زنان و ۶۱ درصد مردان در سطح متوسط، این توانایی را دارند (شکل ۱۱). بررسی نتایج حاکی از آن است مردان در این گزینه از توانایی بیشتری نسبت به زنان برخوردارند زیرا مردان، در جهت یابی دقیق که با استفاده از ادراک شنوایی می باشد قوی تر از زنان هستند. مؤلفه آخر تحقیق در خصوص ادراک فضای اجتماعی است. سؤال اول در مورد حضور در فضای اجتماعی و تأثیر عوامل نام برده در ادراک فضای معماری بود و شامل گزینه هایی می باشد که یکی از آنها مربوط به تأثیر رفتار و فعالیت دیگران بر ادراک فضای معماری می باشد، که طبق نتایج به دست آمده (شکل ۱۲)، ۴۷ درصد زنان و ۴۲ درصد مردان در سطح خیلی زیاد، ۶۶ درصد زنان و ۸۴ درصد مردان در سطح زیاد، ۴۳ درصد زنان و ۶۷ درصد مردان در سطح متوسط، رفتار دیگران را در ادراک محیط و فضای معماری تأثیر گذار می دانند. شاید بتوان دلیل این امر را حضور بیشتر مردان از زنان در فضای اجتماعی دانست و این که زنان سازگاری بیشتری بر محیط اجتماعی دارند نیز می تواند دلیل این مدعا شود (شکل ۱۲).

شکل ۱۱: توانایی یافتن مسیر یا یک مکان

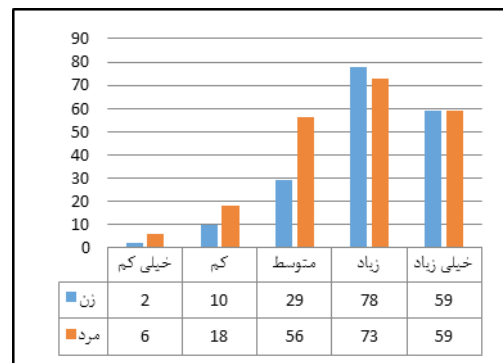


شکل ۱۲: تأثیر رفتار و فعالیت دیگران

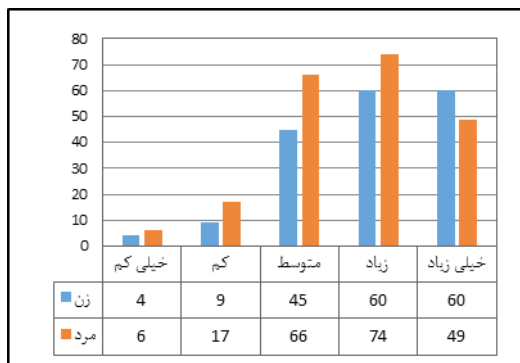


گزینه دیگر، تأثیر خلوت و شلوغ بودن فضا بر ادراک فضای معماری بود. نتایج حاصل از این پرسش نشان داد که ۵۹ درصد زنان و مردان در سطح خیلی زیاد، ۷۸ درصد زنان و ۷۳ درصد مردان در سطح زیاد، ۲۹ درصد زنان و ۵۶ درصد مردان در سطح متوسط، شلوغ و خلوت بودن فضا را در ادراک آن مؤثر می‌دانستند (شکل ۱۳). بررسی نتایج نشان داد که این موضوع هر دو جنس را تقریباً به یک میزان تحت تأثیر قرار می‌دهد و زنان و مردان به یک میزان تحت تأثیر شلوغی و خلوتی فضا قرار می‌گیرند و این امر در ادراک آنان مؤثر است. گزینه بعدی، تأثیر حفظ فاصله با افراد دیگر بر نحوه ادراک فضای معماری را مورد سنجش قرار داده است، نتایج حاصل نشان داد که ۶۰ درصد زنان و ۴۹ درصد مردان در سطح خیلی زیاد، ۶۰ درصد زنان و ۷۴ درصد مردان در سطح زیاد، ۴۵ درصد زنان و ۶۶ درصد مردان در سطح متوسط، این موضوع را در ادراک فضا مؤثر می‌دانند. بنابراین، نمی‌توان تفاوت معناداری را از نظر ادراک بین دو جنس عنوان کرد و تقریباً هر دو به یک میزان به این موضوع اهمیت می‌دهند با این‌که زنان در رابطه اجتماعی نزدیک‌تر و صمیمی‌تر از مردان هستند ولی این امر در درک فضا نمی‌تواند نقش مهمی داشته باشد (شکل ۱۴).

شکل ۱۳: تأثیر خلوت و شلوغ بودن فضا بر ادراک فضا



شکل ۱۴: تأثیر رعایت فاصله با دیگران بر نحوه ادراک



توجه به مطالب مذکور از تحلیل آماری پرسشنامه‌ها، به وضوح تفاوت ادراکی موجود بین زنان و مردان در سنین و سطوح تحصیلی مختلف را نشان می‌دهد. این تفاوت که در برخی مؤلفه‌های سنجش کاملاً معنادار نیست با مباحث علمی و نظری موجود نیز مطابقت دارد؛ در نتیجه جهت فرضیه اول و دوم مبنی بر وجود رابطه مستقیم بین ادراک فضایی انسان و جنسیت، سن و میزان تحصیلات افراد را تأیید می‌کند. در رابطه با آزمون فرضیه سوم، وجود ارتباط معنادار بین ادراک بصری فضا، تفاوت و رتبه‌بندی میزان توجه به هر یک از عناصر بصری و تأثیر معنادار حضور و رفتار دیگران در ادراک ماهیت فضای معماری و وجود همبستگی بالا بین این عناصر حاکی از آن است که تغییر هر یک از این عناصر و معیارها در طراحی فضاهای معماری می‌تواند تأثیر بسزایی در کیفیت و میزان مقبولیت فضا برای کاربران آن داشته باشد.

۷. نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه‌ای معنادار بین جنسیت و میزان ادراک عناصر بصری فضای معماری می‌باشد. تمام نتایج ذکر شده در یافته‌های تحقیق با مباحث علمی و نظری موجود در زمینه میزان و نحوه ادراک عناصر بصری فضا توسط زنان و مردان و عوامل تأثیرگذار در این ادراک انطباق و همخوانی دارد. تفکیک فضایی بین جنس‌ها، یعنی جنسی کردن فضا، توسط معمار گاه امری منطقی است؛ به‌خصوص در جوامعی که تفکیک بین زنان و مردان در اکثر شئون رعایت می‌شود. حتی جنسیتی شدن فضا براساس فرهنگ حاکم بر جوامع امری دور از ذهن نیست. از این‌رو، جنسیتی شدن یک فضا زمانی به‌عنوان مشکل مطرح می‌شود که بنا به دلایلی یکی از دو جنس مجبور به ترک یک فضای عمومی شده و از حق بهره‌برداری از آن فضا محروم شود؛ درحالی‌که، امکان بهره‌مندی مطلوب از فضای شهری و عمومی از حقوق اولیه شهروندان محسوب می‌شود. می‌توان گفت مکان‌های خاص ممکن است براساس جنس افرادی که آن‌ها را اشغال می‌کنند یا براساس فعالیت‌های مختلف جنسیتی که در آن‌ها انجام می‌شوند خصوصیات جنسیتی داده شوند؛ از آنجایی که در سال‌های اخیر توجه به انتظارات و رفتار کاربران فضاهای معماری در طراحی اهمیت بیشتری پیدا کرده در این میان نقش معمار در جامعه شاخص‌تر شده است و انتظار می‌رود با توجه بیشتر به خصوصیات ادراکی زنان و مردان در محیط‌ها و فضاهای طراحی شده، باعث افزایش کارایی و مقبولیت فضا شود. فرآیند تطبیق محیط با الگوهای رفتاری، شامل تغییر محیط کالبدی در راستای پاسخ به خواسته‌ها و رفتارها و فعالیت‌های کاربران با در نظر گرفتن شرایط خاص از قبیل جنسیت، سن، تحصیلات و سلیقه‌های زیبایی‌شناختی و یا برای ایجاد سازگاری بین این موارد و محیط کالبدی در حرفه معماری مورد توجه قرار گرفته است. در این فرآیند نتیجه‌گیری کلی این است که نحوه ادراک، واکنش و رفتار افراد (زنان و مردان) در محیط مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در روش‌های طراحی توسط معماران است.

References

- Colomna, B. ed. (1992). *Sexuality and Space*. New York: Princeton Architectural Press.
- Gibson, J. J. (1966). *The Senses Considered as Perceptual Systems*. Boston: Houghton Mifflin.
- Harding, S. (1986). *The Science Question in Feminism*. Cornell University Press.
- Hayden, L. (1976). *Sex Symbol*. Fiona Richmond.
- Hosseinzadeh, A. (2012). Differences between Men and Women and the Role and Function. *Journal of Marfat*, 10(74), 61 -71.
- Ittelson, W. (1973). Environment Perception and Contemporary Perceptual Theory. In W.H. Ittelson (Ed.), *Environment and Cognition*. New York: Seminar, 141-154.
- Khosravi, Z. (2003). *Psychological Foundations of Gender*. Alzahra University Press, Tehran, Iran.
- Kiavar, D. (2011). *User Assessment in Public Spaces by Gender: A Survey on Seğmenler and Kecgoren Parks in Ankara*. Ph.D. Thesis, Department of Architecture, Middle East Technical University.
- Lang, J. (1987). *Creating Architectural Theory*. New York: Van Nostrand Reinhold.
- Madanipour, A. (2003). *Public and Private Spaces of the City*. Routledge, London.
- Mazaheri, M.A. (2004). Convention from the Psychology Approach. *Journal of Philosophy and Theory*, 8(31), 2-19.
- Moazeni, S.M., & Moazeni S.A. (2012). Psychological Differences of Women and Men. *Journal of Mental Health*, 8(41), 20-26.
- Pease, B., & Pease, A. (2001). *Why Men don't Listen and Women can't Read Maps?* Pease International Pty Ltd. New York.
- Proshansky, H.M. (1978). The City and Self-Identity. *Environment and Behavior*, 10(2), 147-69.
- Raeisi, Z. (2001). *Introduction to Marriage Psychology*. Mani Publications, Isfahan.
- Rendell, J. (2000). *Introduction to Gender and Space*. Gender, Space, Architecture: An Interdisciplinary Introduction, Routledge.
- Safiri, Kh., & Imanian, S. (2009). *Sociology of Gender*. Sociologist Publication, Tehran, Iran.